

ده چالش پیش‌روی مجلات علمی با دسترسی آزاد

پیتر سویر

استاد و پژوهشگر ارشد فلسفه کالج ارل‌هام peter.suber@earlham.edu

چکیده :

در این مقاله چالش‌های پیش‌روی مجلات علمی با دسترسی آزاد شرح داده می‌شود و پس از صحبت در مورد هر یک از چالش‌ها، راهکارهایی برای عبور از آنها ارائه شده است. رویکرد نویسنده در ارائه راهکارها رویکردی حقوقی و اخلاقی است. مقاله تلاش می‌کند به انتقادهای مطرح شده در مورد مجلات علمی با دسترسی آزاد پاسخ دهد و نشان دهد که بسیاری از ایراداتی که به اینگونه مجلات گرفته می‌شود در مجلات علمی پولی هم وجود دارد. با این حال به شدت از اتخاذ راهبرد "بازگرداندن ایرادها به حریف" اجتناب می‌شود و تاکید می‌شود که هر جا کاستی یا اشتباهی وجود دارد جبران شود و نمی‌توان فقط به این دلیل که مجلات علمی پولی، هم ایرادهای مشابهی دارند، این ایرادها را نادیده گرفت. نویسنده پس از سال‌ها فعالیت در زمینه مجلات علمی با دسترسی آزاد به‌خوبی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه این گونه مجلات آگاه است و این نکته را به‌خوبی درک می‌کند که دسترسی آزاد به مقاله‌ها و محتواهای علمی، تاثیرگذاری آنها را چند برابر می‌کند. نویسنده در جایی دیگر در مورد اهمیت دسترسی آزاد به مقاله‌های علمی و دانشگاهی به این موضوع اشاره می‌کند که نویسندگان این مقاله‌ها تنها کسانی نیستند که از دسترسی آزاد به مقاله‌هایشان سود می‌برند (به این دلیل آشکار که مقاله‌هایشان بیشتر خوانده شده و بیشتر به آنها ارجاع داده می‌شود)، بلکه همچنین آن دسته از خوانندگان دانشگاهی که موسسه‌های آنها قادر به پرداخت هزینه‌های مجلات علمی نیستند، خوانندگان عمومی که ممکن است به یک زمینه یا رشته علمی علاقه‌مند باشند، عموم مردم که از این راه می‌توانند با چند و چون و چارچوب‌های پژوهش‌های علمی آشنا شوند، و حتی بیماران و اطرافیان آنها که می‌توانند از آخرین یافته‌های علمی و پزشکی آگاه شوند، از دسترسی آزاد به مقاله‌ها بهره‌مند می‌شوند.

کلید واژه‌ها : دسترسی آزاد، دسترسی آزاد رایگان، سنج‌های ضریب تاثیر، دسترسی آزاد سبز، دسترسی آزاد طلایی، مجلات علمی پولی، چالش‌های مجلات علمی با دسترسی آزاد.

مقدمه:

آغاز به کار انجمن ناشران دانشگاهی با دسترسی آزاد (اوسپا) نشانه‌ای از بلوغ این جنبش و نویدی است برای پشتیبانی متقابل، به اشتراک گذاشتن دانش و خودساماندهی برای مجلات علمی با دسترسی آزاد و ناشران آنها. من می‌خواهم پیشرفت مجلات علمی با دسترسی آزاد و آغاز به کار اوسپا را با شرح آنچه که من به‌عنوان ده چالش بزرگ پیش‌روی مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌بینم جشن بگیرم، و می‌خواهم بدون ادعای این‌که در حال ارائه دستورالعمل‌هایی برای انجمن هستم و یا بدون این پیش‌فرض که اعضای انجمن از این چالش‌ها بی‌اطلاع هستند این کار را انجام دهم. من عضوی از این انجمن و یا حتی ناشر یک مجلات علمی با دسترسی آزاد نیستم و فقط خواهان موفقیت این مجلات علمی هستم. در متن پیش‌رو، هر جا که از واژه "شما" استفاده کردم خطابم به سردبیران یا ناشران مجلات علمی با دسترسی آزاد است. من با اشاره به سه تمایز مقاله ام را آغاز می‌کنم: شکاف میان عملکرد این مجلات علمی و آنچه که معیارهای رایج در مورد عملکرد مجلات علمی می‌گویند (چالش شماره یک)؛ تفاوت میان دورنمای مجلات علمی با دسترسی آزاد (که در متن بیانیه‌های بوداپست، بتسدا و برلین به آنها اشاره شده بود) و سیاست‌گذاری‌های دسترسی کاربران در ۸۵ درصد مجلات علمی با دسترسی آزاد (چالش شماره دو)؛ و شکاف میان کیفیت مجلات علمی و اعتبار آن، حتی در مواقعی که کیفیت مجلات علمی بالاست (چالش شماره سه). پس از آن من به هفت دسته از تردیدهای موجود در مورد مجلات علمی با دسترسی آزاد اشاره خواهم کرد: تردیدهای موجود در مورد کیفیت (چالش شماره چهار)، دوام (چالش شماره پنج)، صداقت (چالش شماره شش)، هزینه‌های انتشار (چالش شماره هفت)، ماندگاری (چالش شماره هشت)، تغییر مسیر کمک‌های مالی (چالش شماره ۹) و راهبردها (چالش شماره ۱۰).

• مطابقت با معیارها

معیارهای تعیین کیفیت مجلات علمی حتی زمانی که مجلات علمی با دسترسی آزاد قوی هستند، آنها را جزء مجلات علمی قوی دسته‌بندی نمی‌کنند. سنج‌های ضریب تاثیر نسبت به مجلات علمی جدید تعیض‌آمیز هستند و این در حالی است که بیشتر مجلات علمی با دسترسی آزاد جدید هستند. این یک توطئه نیست. مجلات علمی که کمتر از دو سال سابقه دارند حائز شرایط سنجش ضریب تاثیر

نیستند و پس از سپری شدن دو سال نیز موسسه تامسن ساینتیفیک تنها برخی از مجلات علمی را برای سنجش برمی‌گزیند. مدت زمان انتظار دو سال پس از آغاز به کار برای مجلات علمی با دسترسی آزاد و مجلات علمی پولی (تی‌ای) یکسان است و تا جایی که اطلاع داریم پس از این مدت مجلات علمی با دسترسی آزاد و مجلات علمی پولی به شکلی برابر با سنجش‌های ضریب تاثیر سنجیده می‌شوند. سنجش‌های ضریب تاثیر مشکلات زیادی دارند اما در این‌جا می‌خواهیم به تبعیض‌هایی اشاره کنیم که در این سنجش‌ها علیه مجلات علمی جدید وجود دارد. سنجش‌های ضریب تاثیر جایگزین می‌تواند مشکلات ناشی از سنجش‌های ضریب تاثیر موجود، از جمله تبعیض این سنجش‌ها علیه مجلات علمی جدید را جبران کند. چالش اصلی این است که معیارهایی ایجاد کنیم که هدف‌های بیشتر و تعداد بیشتری از مجلات علمی را در بر بگیرد. کارهای زیادی در این زمینه انجام شده است. برای نمونه این‌ها برخی از معیارهای جایگزین ضریب تاثیر هستند که من در مورد آن‌ها اطلاع دارم. به احتمال زیاد تعداد معیارهای جایگزین بیشتر از این‌ها نیز هست:

(Jin Age-weighted citation rate (Bihui *
(.Batting Average (Jon Kleinberg et al *
(Reference Citation project (University of Oldenburg Distributed Open Access *
(Bergstrom Eigenfactor (Carl *
(g-index (Leo Egghe *
(h-index (J. E. Hirsch *
(.Contemporary h-index (Antonis Sidiropoulos et al *
(.Pablo D. Batista et al) Individual h-index *
(Index (Center for Journal Ranking Journal Influence Index and the Paper Influence *
(Resources) (LANL MeSUR (METrics from Scholarly Usage of *
(Granada SCImago Journal Rank and SJR Indicator (University of *
(Strike Rate Index (William Barendse *
(Usage Factor (UKSG *
(Web Impact Factor (Peter Ingwersen *
(.al y-factor (Herbert van de Sompel et *

من ترجیح می‌دهم که گسترش و ارزیابی این معیارها را به کارشناسان محول کنم و امیدوارم که برخی از شما در میان کارشناسان باشید. آن چه که اهمیت دارد این است که ما علاقه‌مندیم که این کار در حال پیشرفت موفق شود و گستردگی استناد به سنجش‌های ضریب تاثیر یکی از موانع پیش‌روی پیشرفت و پذیرش مجلات علمی با دسترسی آزاد است.

سنجش‌های ضریب تاثیر به خودی خود به مجلات علمی جدید آسیب نمی‌رسانند. آن‌ها زمانی آسیب‌زا هستند که استفاده بسیار زیاد کمیته‌های ارتقا و استخدام دانشگاه‌ها از سنجش‌های ضریب تاثیر، به عاملی بازدارنده برای دانشگاهیان برای ارائه مقالاتشان به مجلات علمی جدید تبدیل می‌شود. چالش اصلی این است که معیارهای جایگزینی که در حال رشد هستند را بازبینی کنیم، برای به رسمیت شناختن و پشتیبانی از معیارهای برتری که به وجود می‌آیند و همین‌طور برای بحث در مورد برتر بودن این معیارها با کمیته‌های ارتقا و استخدام محلی آماده باشیم. ما باید در میان مجلات علمی کاملاً جدید به دنبال متحدانی در زمینه‌ها و روش‌شناسی‌های پژوهشی جدید باشیم، حتی اگر این مجلات علمی جزء مجلات علمی پولی باشند. معیارهای برتر فقط نیمی از راه‌حل است؛ بقیه‌ی راه، استفاده از آن‌ها برای از میان برداشتن عوامل بازدارنده‌ی ارائه مقاله‌ها به مجلات علمی جدید است. یکی از چالش‌های مرتبط این است که با صراحت مشخص کنیم که ما به دنبال معیارهای جدیدی نیستیم که به نفع مجلات علمی با دسترسی آزاد تبعیض‌آمیز باشد. ما به دنبال معیارهای کمتر تبعیض‌آمیز یا عاری از تبعیض هستیم. فقط معیارهای بدون سوگیری هستند که می‌توانند به پیشبرد آرمان مجلات علمی با دسترسی آزاد باری برسانند و موجب شوند که مجلات علمی، مقاله‌های کسانی که می‌توانند در پیشرفت‌شان موثر باشند را دریافت کنند. سنجش‌های ضریب تاثیر شاید ضد مجلات علمی جدید سوگیرانه باشند و این واقعیت بیشتر از مجلات علمی پولی به ضرر مجلات علمی با دسترسی آزاد است. اما سنجش‌های ضریب تاثیر علیه مجلات علمی با دسترسی آزاد که دوره‌ی نوجوانی خود را طی کرده‌اند سوگیرانه نیستند. برعکس، به این دلیل که به مقاله‌های مجلات علمی با دسترسی آزاد بیشتر از مجلات علمی پولی ارجاع داده می‌شود، مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌توانند در بازی سنجش‌های ضریب تاثیر برنده باشند. برای مثال موسسه تامسن رویترز در گزارش سال ۲۰۰۸ خود در مورد وضعیت ارجاع به مجلات علمی گزارش داد که پنج مجله علمی با دسترسی آزاد بالاترین معیارهای ضریب تاثیر را در زمینه‌های علمی مرتبط با کارشان کسب کرده‌اند. حتی در سال ۲۰۰۴ که تعداد مجلات علمی با دسترسی آزاد بسیار کمتر بود و با سابقه‌ترین آن‌ها از مجلات علمی کنونی جوان‌تر بودند مطالعات موسسه تامسن ساینتیفیک نشان می‌داد که تقریباً در هر رشته دانشگاهی دست‌کم یک مجله علمی با دسترسی آزاد در رده‌های بالای سنجش‌های ضریب تاثیر قرار داشتند. در سال ۲۰۰۷ موسسه بین‌المللی حفاظت از تنوع مولکولی چهار مجله علمی ترکیبی خود را به‌طور کامل به مجلات علمی با دسترسی آزاد تبدیل کرد. در سال ۲۰۰۹ این موسسه اعلام کرد که این تغییر، وضعیت سنجش‌های ضریب تاثیر هر چهار مجله علمی را بهبود بخشید.

این موفقیت‌ها مهم هستند اما دلیلی بر آن نمی‌شوند که کماکان با سنجش‌های ضریب تاثیر کار کنیم. اگر

مجلات علمی با دسترسی آزاد از ضریب تاثیر بالایی برخوردارند به این علت است که آنها اثر زیادی دارند، نه به این دلیل که مجلات علمی با دسترسی آزاد از سوگیری این سنجها به نفع خودشان سود برده اند. رتبه ی مجلات علمی با دسترسی آزاد حتی براساس معیارهای جدیدتر هم می‌تواند مشابه و یا بهتر باشد. مجلات علمی با دسترسی آزاد که با سنجهای ضریب تاثیر کنونی موفق هستند، در صورت بکارگیری سنجهایی که توسط دانشگاهیان، به طور دقیق‌تر، با ظرافت بیشتر، روزآمدتر، خودکارتر و عادلانه‌تر طراحی شده اند و نسبت به انواع داده‌هایی که ضریب تاثیر را صریح‌تر اندازه گیری می‌کنند و همچنین نسبت به مجلات علمی جدید پذیراترند، نیز موفق تر خواهند بود و چیزی را از دست نمی‌دهند. کتابخانه عمومی علم این موضوع را به خوبی دریافته است. چهار مجله علمی این کتابخانه بالاترین رتبه ی ضریب تاثیر را در زمینه‌های علمی خود دارند و در عین حال برای جایگزین کردن سنجهای ضریب تاثیر ساده‌انگارانه، و همچنین توسعه ی داده‌های ضریب تاثیر مقاله‌های دانشگاهی، به‌منظور پشتیبانی از سنجهای ضریب تاثیر مقاله‌های دانشگاهی، پیشرو هستند. هر هفت مجله علمی موسسه پلوس هم‌اکنون " داده‌های کاربردی، تعداد بازدید از صفحات، ارجاع‌ها، پیوند به شبکه‌های اجتماعی، پوشش مطبوعاتی، نظرات و امتیازدهی کاربران " را به شکل عمومی به اشتراک گذاشته‌اند.

سایر مجلات علمی با دسترسی آزاد نیز باید از این رویه پیروی کنند تا مجلات علمی پولی نیز به سنجهای ضریب تاثیر طریف‌تر و دقیق‌تر علاقه نشان دهند. منظورم این نیست که اگر مجله علمی شما براساس سنجهای ضریب تاثیر کنونی عملکرد خوبی داشته است شما نباید به آن مباحث کنید بلکه باید احساس سربلندی کنید. به موازات رشد مجله علمی شما در رتبه بندی ضریب تاثیر، باید از آن خوشحال شوید و به آن ببالید. ولی به‌طور هم‌زمان شما باید برای دستیابی به معیارهای برتر تلاش کنید. شرکت در بازی سنجهای ضریب تاثیر، بدون تلاش برای دست یافتن به جایگزین‌ها، فقط دیگران را تشویق می‌کند که آنها نیز وارد بازی شوند و تبعیض علیه مجلات علمی جدید نهادینه شود (در کنار مشکلات دیگری که در این‌جا به آنها اشاره نشده است). برای متوقف کردن بازی سنجهای ضریب تاثیر، مجبور نیستید که هدف پیشرفت در سنجهای ضریب تاثیر یا خود سنجهای ضریب تاثیر را که روش‌های نشان‌دهنده ی توسعه علمی اند، کنار بگذارید. زمانی در بازی سنجهای ضریب تاثیر شرکت کنید که سنجهای آن به‌دقت طراحی و اندازه‌گیری شده باشند و هیچ‌گونه سوگیری‌ای نسبت به هیچ مجله علمی بر پایه سابقه، زمینه، زبان، شهرت و یا مدل تجاری نداشته باشند.

• دسترسی

چه تعداد مجله علمی با دسترسی آزاد در فهرست دوج (فهرست مجلات علمی های علمی با دسترسی آزاد برای همگان) از گواهینامه حق مالکیت مشترک خلافت‌ها (مجوز نسخه برداری) استفاده می‌کنند؟ پاسخ این است که (تا دوم اکتبر ۲۰۰۹) از میان ۴۳۶۲ مجله علمی با دسترسی آزاد، ۶۳۷ مجله علمی (یعنی ۱۴/۶ درصد) از این گواهینامه استفاده می‌کرده اند. یکی از چالش‌های موجود این است که تعداد بیشتری از مجلات علمی با دسترسی آزاد، دسترسی آزادتری فراهم کنند. اجازه بدهید برخی از اصطلاحات مرتبط که به ما کمک می‌کنند در مورد این مسایل صحبت کنیم. مجلات علمی با دسترسی آزاد رایگان به ما کمک می‌کنند سد هزینه‌ها را از سر راه برداریم اما مانع مجوز بازتولید همچنان پابرجاست. این امر باعث می‌شود بتوان به‌شکل رایگان به محتوای این مجلات علمی دسترسی پیدا کرد اما محدودیت حق مولف یا مجوز همچنان پابرجاست. به عبارت دیگر، کاربران می‌توانند بدون پرداخت پول محتوای مجلات علمی با دسترسی آزاد را بخوانند اما هیچ حقی برای استفاده ی مجدد بیش از آنچه که در استفاده ی قانونی یا معادل‌های محلی آن ذکر شده است را ندارند. این امر مانند یک نوشابه رایگان است و نه مثل آزادی بیان. در مقابل، مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان موانع هزینه‌ها و دست‌کم برخی موانع مجوزها را از میان بر می‌دارند. این مجلات علمی دست‌کم برخی از محدودیت‌های حق مولف و مجوزها را کنار می‌زنند و دست‌کم برخی از شکل‌های استفاده که فراتر از استفاده قانونی است را ممکن می‌کنند. در این جا واژه لاتین free (رایگان/آزاد) در معنای واقعی خودش، هم در ترکیب نوشابه رایگان و هم در ترکیب آزادی بیان بکار رفته است.

امروزه در بیشتر کشورهای جهان، بیشتر تولیدات نوشتاری از بدو تولید تحت قوانی حق مولف با شرایط "تمام حقوق محفوظ است" قرار می‌گیرند. در نتیجه نویسندگان تنها در صورتی می‌توانند به مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان مقاله بدهند که به شکل توافقی از برخی از حقوق تالیفی خود صرف‌نظر کنند. اگر شما نمی‌دانید که چگونه از بخشی از حقوق خود صرف‌نظر کنید، بدون این‌که سایر حقوق قانونی خود را نیز از دست بدهید؛ نگران نباشید. گواهینامه‌های حق مالکیت مشترک خلافت‌ها به همین منظور طراحی شده‌اند. هم‌اکنون بیش از یک گواهینامه حق مالکیت مشترک خلافت وجود دارد چراکه حقوق زیادی در مجموعه قوانین حق مولف وجود دارد که شما احتمالاً خواستار صرف نظر کردن از آنها هستید. به همین دلیل مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان دامنه‌ای از مسایل مختلف را در بر می‌گیرند و دامنه گواهینامه‌های حق مالکیت مشترک خلافت‌ها با رایج‌ترین وضعیت‌های موجود در آن دامنه‌ها مطابقت می‌کنند. به‌جز قلمداد شدن به‌مثابه حوزه عمومی (صرف‌نظر کردن از همه ی حقوق)، بازترین گواهینامه حق مالکیت مشترک خلافت‌ها، گواهینامه CC-BY است که از همه حقوق به‌جز حق انتساب چشم‌پوشی می‌کند. در مقابل CC-BY-NC از همه حقوق به‌جز حق انتساب و حق محدود کردن یا ممانعت از استفاده ی تجاری مجدد چشم‌پوشی می‌کند.

اوسپا به تمامی اعضای خود پیشنهاد می‌کند که گواهینامه CC-BY یا معادل‌های آن را دریافت کنند. این موسسه برخی گواهینامه‌هایی که دسترسی کم‌تری دارند (مانند CC-BY-NC) را می‌پذیرد اما استفاده از آنها را پیشنهاد نمی‌کند. به هر حال، هر دو گواهینامه، مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان را فراهم می‌کنند. اوسپا همچنین اعضای که می‌خواهند محدودیت‌هایی را برای استفاده دوباره از محتواها

ایجاد کنند را ملزم می‌کند که این محدودیت‌ها را (برای مثال به وسیله یک گواهینامه) آشکار سازند. همچنین در برنامه "معاهده اروپایی اسپارک" گواهینامه‌های CC-BY و دسترسی کاملاً آزاد رایگان الزامی است. سرف "آزادانه‌ترین گواهینامه مالکیت مشترک خلاقیت‌ها" برای مقالات را، که گواهینامه CC-BY است، پیشنهاد می‌کند.

در مورد داده‌ها، این موسسه از تخصیص کامل‌تر به دامنه عمومی که از راه استفاده از "پروتکل اشتراکی علوم برای اجرای داده‌های با دسترسی آزاد" ممکن می‌شود، استفاده می‌کند. در هر دو مورد این موسسه مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان ارایه می‌کند. هر سه بیانیه بودابست، بتسدا و برلین بدون این که از گواهینامه‌های خاصی نام ببرند خواستار ارایه مجلات علمی با دسترسی کاملاً آزاد رایگان شده‌اند.

چالش اصلی این است که بیش از ۸۵ درصد مجلات علمی که اکنون در دوج هستند از هیچ یک از گواهینامه‌های مالکیت مشترک خلاقیت‌ها استفاده نمی‌کنند. برخی احتمالاً از گواهینامه‌های معادلی غیر از گواهینامه‌های مالکیت مشترک خلاقیت‌ها استفاده می‌کنند و برخی دیگر احتمالاً شرایط اختصاصی برای خود دارند که دارای اثرات حقوقی مشابهی است. اما این موارد استثناء کم‌شمارند. بیشتر مجلات علمی با دسترسی آزاد بدون توجه به این که چگونه آن‌ها را دسته‌بندی کنید، از گواهینامه‌های باز استفاده نمی‌کنند. بیشتر آن‌ها تحت گواهینامه‌ی حق مولف، یعنی "تمام حقوق محفوظ است" قرار دارند و چیزی بیش از آنچه که به عنوان استفاده قانونی به کاربران داده می‌شود، به آن‌ها نمی‌دهند. در واقع بیشتر مجلات علمی فاقد دسترسی کاملاً آزاد رایگان هستند. اگر ۱۴/۶ درصد مجلات علمی دوج از یکی از انواع گواهینامه‌های مالکیت مشترک خلاقیت‌ها استفاده می‌کنند چه تعدادی از گواهینامه CC-BY، که اوسپا، اسپارک اروپا و سرف استفاده از آن را پیشنهاد داده‌اند، استفاده می‌کنند؟

پاسخ (تا دوم اکتبر ۲۰۰۹) این است که از ۴۳۶۲ مجله علمی دوج ۴۱۶ مجله علمی (۹/۵ درصد) از گواهینامه CC-BY استفاده می‌کنند. چه تعدادی، از دیگر گواهینامه‌های مالکیت مشترک خلاقیت‌ها استفاده می‌کنند؟ پاسخ این است که از میان ۴۳۶۲ مجله علمی دوج ۲۳۱ مجله علمی (۵/۱ درصد) از گواهینامه‌های دیگر مالکیت مشترک خلاقیت‌ها به جز گواهینامه CC-BY استفاده می‌کنند. من می‌دانم که خیلی از مجلات علمی با دسترسی آزاد مایلند که استفاده‌ی تجاری مجدد از محتوایشان را محدود کنند و در برابر پیشنهادها برای استفاده از CC-BY مقاومت می‌کنند. من نمی‌خواهم در اینجا وارد این بحث شوم. اگر شما می‌خواهید که استفاده مجدد تجاری را محدود کنید به جای استفاده نکردن از گواهینامه‌های باز از گواهینامه CC-BY-NC یا معادل‌های آن استفاده کنید. شما هم به پنج درصد از مجلات علمی دوج که از این راه‌حل استفاده کرده‌اند، بپیوندید.

من با یکی از ناشران مجلات علمی با دسترسی آزاد گفت و گویی تصادفی داشتم و او نگران بود که گواهینامه‌های باز عاملی بازدارنده برای ارایه مقاله به مجله علمی اش شود. متوجه شدم که نگرانی او از این است که آزاد کردن استفاده تجاری، مانع ارایه مقالات می‌شود و می‌پنداشت که در تمامی گواهینامه‌های باز استفاده تجاری مجاز است. این در حالی بود که او فقط از شنیده‌های خود برای دفاع از نظریه‌اش در مورد تاثیر گواهینامه‌های باز بر دریافت مقاله‌ها استفاده می‌کرد. به هر حال چه این نگرانی‌ها بی‌دلیل باشند یا نباشند، راه‌های آسانی برای استفاده از گواهینامه‌های باز و محدود کردن استفاده تجاری وجود دارد. فقط کافی است از گواهینامه CC-BY-NC یا معادل‌های آن استفاده کنید. بیابید در ابتدا بر سر تغییر حق مولف تمامی حقوق محفوظ است، به دسترسی کاملاً آزاد رایگان توافق کنیم، پس از آن می‌توانیم در مورد این که CC-BY-NC را به CC-BY تبدیل کنیم یا نه بحث کنیم.

اگر یک مجله علمی رایگان است پس استفاده از گواهینامه‌های باز چه ضرورتی دارد؟ چرا از دسترسی آزاد رایگان باید به سوی دسترسی کاملاً آزاد رایگان رفت؟ پاسخ کوتاه این است که وقتی کاربران می‌خواهند از استفاده قانونی فراتر بروند با تاخیر زمانی و هزینه‌های اضافی درخواست مجوز روبرو نمی‌شوند. چرا ممکن است کاربران بخواهند از استفاده قانونی فراتر بروند؟

دلایل کافی برای فراتر رفتن از استفاده قانونی وجود دارد، برای مثال نقل قول گزیده‌های طولانی، چاپ کامل متن، فرستادن مقاله به دانشجویان یا همکاران با پست الکترونیکی، رونوشت کردن مقاله‌ها بر روی سی دی برای بخش‌هایی از جهان که پهنای باند اینترنت کم است، پخش نسخه‌های دارای برچسب‌های معناسناختی یا به عبارت دیگر نسخه‌های بهبودیافته متن، رونوشت مقاله‌ها در شکل‌های جدید یا انتشار آن‌ها در رسانه‌ها برای این که با تغییر فناوری‌ها، متن‌ها همچنان قابل استفاده باشند، نگهداری محتواها در آرشیوها، افزودن مقاله‌ها به پایگاه‌های داده‌ها یا آثار تلفیقی، رونوشت گرفتن از متن برای فهرست‌های راهنما یا برنامه‌های تحلیل متون . . . ، ضبط متن به شکل شنیداری، و یا ترجمه آن به زبان‌های دیگر. خوشبختانه استفاده از گواهینامه‌های باز و پیشاپیش جایز شمردن این کاربردها برای مجلات علمی با دسترسی آزاد آسان است. این که این مجلات علمی دست کاربرانشان را باز بگذارند نیز آسان است. همچنین تبدیل مجلات علمی به کاملاً آزاد رایگان نیز آسان است. در واقع، اتخاذ این تصمیم‌ها برای مجلات علمی با دسترسی آزاد آسان‌تر از مراکز اطلاعاتی با دسترسی آزاد است (یا دسترسی آزاد طلایی آسان‌تر از دسترسی آزاد سبز است). مراکز اطلاعاتی با دسترسی آزاد معمولاً دسترسی آزاد رایگان را انتخاب می‌کنند چرا که آن‌ها نمی‌توانند به تنهایی در مورد اجازه‌ی دسترسی کاملاً آزاد رایگان تصمیم بگیرند. اما مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌توانند در مورد صدور اجازه تصمیم بگیرند.

برخی از مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌دانند که گواهینامه‌های مالکیت مشترک خلاقیت‌ها رایگان هستند و استفاده از آن‌ها آسان است. اما رویکرد آن‌ها به امر نگهداری چندان شفاف نیست. یکی از ناشران مجلات علمی با دسترسی آزاد به من می‌گفت: "مجله علمی ما رایگان است. کاربران چه چیز دیگری می‌خواهند؟ اگر می‌خواهند که از محتواها رونوشت گرفته و آن‌ها را توزیع کنند می‌توانند آزادانه این کار را انجام دهند. برای ما اهمیتی ندارد و اجازه این کار را می‌دهیم."

اما کاربران از کجا بدانند که فلان مجله علمی به آن‌ها اجازه داده است که از محتوای مقاله‌ها می‌توانند رونوشت گرفته و توزیع کنند؟ براساس اصل استفاده قانونی این کار مجاز نیست و کاربران باوجدان از حد

استفاده قانونی فراتر نمی‌روند. زمانی که کاربران اجازه فراتر رفتن از استفاده قانونی را ندارند، احتمالاً به یکی از این دو رفتار روی می‌آورند: ۱- یا معطل کسب اجازه خواهند ماند و ۲- از استفاده می‌شوند. این‌ها جزء عوامل بازدارنده در فعالیت پژوهشی هستند در حالیکه مجلات علمی با دسترسی آزاد برای این طراحی شده‌اند که عوامل بازدارنده را از میان بردارند. برخی، درست یا غلط، فکر می‌کنند که برخورد شرافت‌مندانه با حق مولف، معذور اخلاقی‌ای است که به امری نامتعارف تبدیل شده است. اما سیاست رسمی تمام دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های جهان احترام به حق مولف است. حتی زمانی که کاربران، باوجدان نیستند، موسسات مرتبط با آن‌ها باوجدان هستند و کاربران مرتبط با خود را مجبور می‌کنند که از سیاست‌گذاری‌هاشان تبعیت کنند. حتی زمانی که شما به کاربران علامت می‌دهید که می‌توانند هر کاری که دوست دارند با محتواهای شما بکنند، موسسات مجاز نیستند که این اشاره‌ها را جدی بگیرند. موسسات می‌توانند از حقوق خود در مورد دسترسی کاملاً آزاد رایگان زمانی که از وجود آن اطمینان حاصل کردند بهره ببرند. اما آن‌ها نمی‌توانند به علامت‌های خشک و خالی توجه کنند. و اگر شما واقعاً مایل هستید که دسترسی کاملاً آزاد رایگان فراهم کنید، هیچ دلیلی وجود ندارد که به‌وسیله یک گواهینامه یا بیانیه این امر را اعلام نکنید.

حتی زمانی که کاربران تحت اصل استفاده قانونی، مجاز هستند که کاری را انجام دهند، مجبور هستند که با این مشکل که استفاده قانونی مبهم و بحث‌برانگیز است کنار بیایند. برای نمونه افراد مطلع نمی‌پذیرند که این اصل برنامه‌های تحلیل متن‌ها را در بر می‌گیرد. بنابراین یک دلیل دیگر برای استفاده از گواهینامه‌های باز این است که کاربران را از نگرانی‌های مرتبط با مسئولیت قانونی و محدودیت‌های ناشی از این نگرانی‌ها رها کنیم. این مشکل نه فقط به نفع کاربرانی است که خواستار دسترسی کاملاً آزاد رایگان هستند، بلکه کاربرانی که می‌خواهند کاری قانونی انجام دهند نیز از آن نفع می‌برند اگر چه به‌طور کلی براساس اصل استفاده قانونی، چندان قانونی به‌شمار نمی‌آید.

کاری نکنید که کاربران باوجدان مجبور شوند میان معطل شدن برای کسب اجازه و یا پذیرش خطر استفاده‌ی بدون اجازه یکی را انتخاب کنند. آن‌ها را مجبور نکنید که درخواست مجوز استفاده کنند. کاری نکنید که آن‌ها برای کسب اجازه متحمل هزینه شوند. کاری نکنید که به‌سوی استفاده نکردن، گرایش پیدا کنند. با افزایش فشارها کاری نکنید که کاربران احساس کنند شرافتمند نیستند. دست کاربران را آزاد نگذارید که از اصل استفاده قانونی فراتر بروند بدون این‌که به آن‌ها اعلام کرده باشید که می‌توانند از استفاده قانونی فراتر بروند.

اگر شما فکر می‌کنید که دسترسی کاملاً آزاد رایگان فراهم می‌کنید اما از هیچ یک از گواهینامه‌های باز یا معادل‌های آن استفاده نمی‌کنید پس شما دسترسی کاملاً آزاد رایگان فراهم نمی‌کنید. شما از حق مولف تمامی حقوق محفوظ است استفاده می‌کنید؛ تصمیم شخصی شما برای اعمال نکردن اصل تمامی حقوق محفوظ است، احتمالاً کاربران باوجدان را مجبور می‌کند که درخواست مجوز کنند. تصمیم شخصی شما برای اعمال نکردن حقوق قانونی‌تان هیچ کسی را از آموختن این‌که چه حقی بر گردن دارد مبرا نمی‌کند. اما تصمیم عمومی شما که از راه یک گواهینامه باز اعلام می‌شود این کار را به‌شکلی کاملاً آسان و شگوهمند انجام می‌دهد.

• کاهش فاصله‌ها

در این‌جا منظورم این است که فاصله میان کیفیت و اعتبار مجله علمی از میان برداشته شود. مجلات علمی جدید از بدو تولد می‌توانند عالی باشند اما حتی بهترین‌هاشان هم نمی‌توانند از همان آغاز معتبر باشند. این مساله ی آزردهنده، زمانی به یک چالش تبدیل می‌شود که ما بدانیم که در مقام مقایسه، مقاله‌ها بیشتر به مجلات علمی معتبر ارایه می‌شوند تا به مجلات علمی با کیفیت. این بعد دیگری از مسئولیتی است که مجلات علمی جدید با آن مواجه هستند، و این حقیقت که مجلات علمی جدید سنجه‌های ضریب تاثیر ندارند این مسئولیت را تشدید کرده است. کمیته‌های ارتقا و استخدام بیشتر تمایل دارند که سنجه‌های ضریب تاثیر مجلات علمی را به‌مثابه یکی از اجزای اصلی اعتبار مجلات علمی به‌شمار بیاورند. افزون بر این، این کمیته‌ها هم سنجه‌های ضریب تاثیر و هم اعتبار مجلات علمی را معادل کیفیت مقاله‌ها و کیفیت نویسندگان به‌شمار می‌آورند.

من فکر می‌کردم که این فقط عامل زمان است که در کسب اعتبار متناسب با کیفیت مجلات علمی با دسترسی آزاد و با کیفیت تاثیرگذار است. اما اکنون فکر می‌کنم که اینطور نیست. همان‌طور که سال گذشته نیز در مقاله‌ای بحث کردم، بودجه کم کتابخانه‌ها (برای مجلات علمی ضروری) و توجه کم افراد به علامت تجاری مجلات علمی به این معنی است که اعتبار مجلات علمی بیشتر به یک بازی با حاصل جمع صفر وابسته‌اند تا به کیفیت مجلات علمی. در چنین شرایطی مجلات علمی با سابقه بیشتر که بازی را در شرایطی شروع می‌کنند که "چند گل از حریف پیش هستند" از مزیت بالایی برخوردارند. مجلات علمی جدید که تلاش می‌کنند شکاف میان اعتبار و کیفیت را بپوشانند خود از راهبردها با خبرند. این راهبردها عبارتند از: به‌کارگیری نویسندگان سرشناس، به‌کارگیری سردبیران سرشناس، کسب سنجه‌های ضریب تاثیر بالا (و افتخار کردن به آن)، تمسک به رسانه‌ها با انتشار اکتشافات یا تحلیل‌هایی که دارای ارزش خبری هستند و صبر، پایداری و تداوم. متأسفانه هرچند عامل زمان شرط کافی نیست، اما همچنان شرط لازم است. حتی زمانی که شما هر کاری که از دستتان بر می‌آید را انجام می‌دهید، با این وجود هنوز چالش زمان به قوت خود باقیست.

تنها مسیر میان‌بری که می‌شناسیم، برای مجلات علمی با دسترسی آزاد موجود موثر نیست. این مسیر این است که مجلات علمی پولی معتبر کنونی را به مجلات علمی با دسترسی آزاد تبدیل کنیم. زمانی که شکل نشر یک مجله علمی تغییر می‌کند، اعتبار، شهرت، سنجه‌های ضریب تاثیر، کیفیت، استانداردها،

سردبیران و خوانندگان خود را نیز به همراه می‌آورد.

شکاف میان اعتبار و کیفیت، تأثیری برابر بر مجلات علمی با دسترسی آزاد و مجلات علمی علمی پولی دارد. اگر هم تفاوتی وجود دارد این است که بخش بزرگی از مجلات علمی با دسترسی آزاد جدید هستند و با چالش کم کردن فاصله‌ها مواجه هستند. برعکس، بخش بزرگی از مجلات علمی علمی پولی این شکاف را پوشش داده‌اند و به اعتباری متناسب با کیفیت‌شان دست یافته‌اند. از آن جایی که مدت‌ها پیش از پیدایش مجلات علمی با دسترسی آزاد نیز اوضاع به همین منوال بود، نهادهایی که نسبت به اعتبار مجلات علمی حساسیت دارند، مانند کمیته‌های ارتقا و استخدام دانشگاه‌ها و کمیته‌های تأمین‌کننده بودجه جایزه‌ها بیشتر تمایل دارند که بر مجلات علمی علمی پولی متمرکز شوند. هر زمانی که برایمان امکان‌پذیر بود، باید تلاش کنیم کیفیت اهمیت بیشتری نسبت به اعتبار پیدا کند. اما ما می‌توانیم در این‌جا این راهبردها را نادیده بگیریم، چراکه در بهترین حالت فاصله میان اعتبار و کیفیت را کاهش نمی‌دهند. این راهبردها فقط باعث می‌شوند که شکاف اعتبار و کیفیت، آسیب کمتری به نویسندگان و مجلات علمی برسانند.

افزون بر این، زمانی که هیچ مجله علمی با دسترسی آزاد معتبری در یک زمینه علمی وجود ندارد، نویسندگانی که می‌توانند مقاله‌هایشان را در مجلات علمی علمی پولی معتبر منتشر کنند، معمولاً می‌توانند نسخه‌های داوری شده دست نوشته‌هایشان را در مراکز اطلاعاتی با دسترسی آزاد ارایه کنند. از این نظر، دسترسی آزاد سبب یعنی این که نویسندگان به ندرت مجبور می‌شوند میان اعتبار مجله علمی و آزاد بودن دسترسی آن انتخاب کنند. اما این فاصله میان دسترسی آزاد سبب با دسترسی آزاد طلائی را کم نمی‌کند یا مانع این نمی‌شود که این شکاف بر مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد اثر بگذارد. این مساله فقط باعث می‌شود که نویسندگان آسیب نبینند.

• ترندهای موجود درباره کیفیت

حتی در شرایطی که مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد دارای همکاران حدود ۲۰ سال است که وجود دارند، برخی از دانشگاهیان معتقدند که مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد، امر داوری همکاران را نادیده می‌گیرند. برخی دیگر معتقدند که مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد نسبت به امر داوری همکاران کم‌توجهی می‌کنند. عده‌ای دیگر معتقدند که پرداخت پول برای نشر، موجب مخدوش شدن داوری همکاران می‌شود. گروهی نبود اعتبار را با نبود کیفیت اشتباه می‌گیرند ("اگر من چیزی درباره این مجله علمی نشنیده‌ام، چه‌طور می‌تواند مجله علمی خوبی باشد؟"). برخی عجولانه با دیدن چند مجله علمی با دسترسی آزاد ضعیف در مورد تمام مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد حکم کلی صادر می‌کنند ("من در مورد کیفیت این مجلات علمی علمی جدید با دسترسی آزاد مردود هستم، چند روز پیش به یکی از آنها برخورد کردم که مجله علمی درجه دو بود").

تمام این قضاوت‌ها عجولانه‌اند. اولین سوالی که با سبک و سنگین کردن این بحث‌ها از خودم می‌پرسم این است که: "آیا این فرد دارای مدرک دکترا در تحقیقات خود هم مانند این اظهارنظرها سهل‌انگار است؟". اما این قضاوت‌ها هر قدر هم که نادرست و عجولانه باشند وجود دارند و این یک چالش است. پس راه حل این است که به مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد با کیفیت اشاره کنیم. شما مجبور نیستید که تعداد آنها را بیش از آنچه که هست نشان دهید. این واقعیت که آنها وجود دارند نشان می‌دهد که وجودشان امکان‌پذیر است. اگر می‌خواهیم بدانیم چرا برخی مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد قوی و برخی دیگر ضعیف هستند، باید کمی تجربه گرایانه‌تر بحث کنیم. ما باید نگاه کنیم و به دقت مطالعه کنیم و بعد قضاوت کنیم، همان‌طور که در مورد مجلات علمی علمی پولی این کار را انجام می‌دهیم. ما باید از پیش‌داوری، احساس‌گرایی، توجه به شایعات و پرداختن به کلیشه‌های تبعیض‌آمیز اجتناب کنیم.

اشاره به این مشکل که دامنه کیفیت مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد مشابه مجلات علمی علمی پولی است، برخی جواهرند و برخی دیگر نامرغوب، شاید به ما کمک کند. هر چند که واضح به نظر می‌رسد، اما تأکید می‌کنم که در دفاع از کیفیت مجلات علمی علمی با دسترسی آزاد فقط از مجلات علمی علمی با کیفیت دفاع کنید. اگر شما از یک مجله علمی ضعیف به صرف این که با دسترسی آزاد است دفاع کنید، این‌طور برداشت می‌شود که شما تمام خطاهای یک مجله علمی را فقط به این دلیل که با دسترسی آزاد است، نادیده گرفته‌اید. حتی احتمال دارد که شما بتوانید از این عمل خود دفاع کنید اما این کار فقط موجب تقویت تردیدها در مورد کیفیت می‌شود. بهترین روش برای دفاع از مجلات علمی با دسترسی آزاد به‌مثابه یک طبقه از مجلات علمی علمی این است که از همه‌ی آنها دفاع نکنید.

راهبرد دیگر این است که میان کیفیت و اعتبار یا کیفیت واقعی با کیفیت برحسب شهرت فرق قایل شویم. وقتی که این تفاوت‌ها روشن شدند، همه ما وجود این تفاوت‌ها را درک خواهیم کرد. ولی در بیشتر مواقع عادت کرده‌ایم که اعتبار را جایگزین کیفیت کنیم و تفاوت‌ها را از یاد ببریم.

به‌شکلی مشابه، میان کیفیت و سنج‌های ضریب تأثیر هم تفاوت قایل شوید. تفاوت‌های میان این دو نیز اغلب به اندازه‌ی تفاوت‌های میان کیفیت و اعتبار واقعی هستند و کمتر به آنها توجه می‌شود.

تأکید می‌کنم که عوامل اولیه‌ای که بر کیفیت مجلات علمی علمی تأثیر می‌گذارند، یعنی کیفیت نویسندگان، سردبیران و داوران، از سیاست‌های مجلات علمی در مورد نحوه دسترسی خوانندگان مستقل است. همچنین تأکید می‌کنم که برخی از عوامل به نفع مجلات علمی با دسترسی آزاد هستند. برای مثال،

زمانی که یک مجله علمی با دسترسی آزاد تعداد زیادی مقاله‌ی عالی دریافت می‌کند، مجبور نیست که به‌علت کمبود فضا بعضی از آنها را رد کند. همچنین زمانی که مقاله‌های خوب کمی به یک مجله علمی با دسترسی آزاد ارایه می‌شود مجله علمی به‌جای این که برای پر کردن یک شماره، معیارهای خود را زیر پا بگذارد، می‌تواند یک نسخه کوچک منتشر کند. در مقابل اگر مجلات علمی پولی، نسخه کوچک منتشر کنند مثل این است که به مشترکانشان که پول نسخه کامل را پرداخته‌اند خیانت کرده‌اند و این یکی از

مواهب پنهان نداشتن مشترکان است. متأسفانه تمام این راهبردها نیازمند گفت و گو با افراد مردد است. چالش اصلی این نیست که وقتی این گفت و گوها انجام می‌شود روند ناخوشایندی دارند، بلکه این است که به ندرت پیش می‌آید که گفت و گویی انجام شود. به هر حال، اشتباه است اگر چالش‌هایی که این تردیدها ایجاد می‌کنند را با این توجیه که افراد مطلع و هشیار حکم‌های کلی عجولانه صادر نمی‌کنند، دست‌کم بگیریم. خیلی از افراد، از جمله خیلی از افراد هشیاری که سرشان شلوغ‌تر از آن است که بتوانند اطلاعات کسب کنند، سهل‌انگار و ناآگاه هستند.

• تردیدهای موجود در مورد دوام

'محتواهای دیجیتال یا تا ابد دوام می‌آورند یا پنج سال؛ البته هر کدام ممکن است زودتر از دیگری رخ دهد.' جف روتنبرگ (۲۰۰۱).

هر چه اثری که منتشر می‌کنید مهم‌تر باشد، حفظ آن نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. خوشبختانه، گزینه‌های جدی نگهداری محتواهای دیجیتال، دست‌کم برای مجلات علمی که نیاز به نگهداری دارند (بر عکس آنها) یک خدمت نگهداری را خود ارائه می‌دهند، نه گران است و نه دشوار. چند سرویس نگهداری که جزء بهترین‌ها هم هستند، هم برای مجلات علمی و هم برای کاربرانی که خواستار دسترسی به محتوای آنها هستند، رایگان‌اند. اگر نگرانی از هزینه‌ها و یا پیچیدگی خدماتی نگهداری باعث شده که دست نگهداری، هنوز برای انتخاب یکی از خدمات خیلی دیر نیست. منظورم این است که تقریباً "هیچ‌گاه خیلی دیر نیست"، اما این مساله‌ای است که ما نمی‌توانیم کاملاً از آن مطمئن باشیم. مجلات علمی پولی که فقط بر روی اینترنت عرضه می‌شوند نیز با چالش مشابهی مواجهند. تفاوت در این است که مجلات علمی پولی گزینه‌های بیشتری پیش‌رو دارند، چراکه آنها مجبور نیستند بر روش‌های نگهداری‌ای اصرار بورزند که محتواهای حفظ‌شده را با دسترسی آزاد به کاربران ارائه می‌کنند. من سیستم لاکس (که دسترسی آن دست‌کم برای موسسات میزبان آزاد است) و سیستم نگهداری دوج (که دسترسی آن برای همه آزاد است) را پیشنهاد می‌کنم. این دو سیستم برای مجلات علمی رایگان هستند. گزینه رایگان و پر دوام دیگر این است که محتواهای دیجیتال خود را برای نگهداری به یک کتابخانه مجهز، قابل اعتماد و از نظر مالی امن در فضای مادی بسپارید. برای مثال بایو مد سنترال محتوای دیجیتال خود را از سال ۲۰۰۳ در کتابخانه ملی هلند ذخیره کرده است، کاری که امروزه برنامه نگهداری دوج انجام می‌دهد. همین‌طور تعداد زیادی از ناشران، محتواهای دیجیتال خود را در کتابخانه بریتانیا ذخیره می‌کنند. کتابخانه‌های ملی و کتابخانه‌های دانشگاه‌هایی که برنامه‌های نگهداری دیجیتال را ارائه می‌کنند با اجازه دادن به مجلات علمی الکترونیکی مبتنی بر داوری همکاران (چه آنها که پولی هستند و چه آنها که دسترسی به آنها آزاد است) برای استفاده از مرکز اطلاعاتی‌شان خدمت بزرگی به آنها می‌کنند. بایو مد سنترال و کتابخانه عمومی دانش عموماً مقالات خود را در پایب مد سنترال ذخیره می‌کنند. اگر ناشران کار مجلات علمی را متوقف کنند، ذخیره کردن مقاله‌ها در چنین مراکزی، سبب می‌شود تا احتمال اینکه کاربران بتوانند دوباره به مقاله‌ها دسترسی داشته باشند و دسترسی آنها آزاد باشد، زیاد می‌شود. چنین کاری آسان و هوشمندانه است. من به همه مجلات علمی با دسترسی آزاد پیشنهاد می‌کنم که همواره مقاله‌هاشان را در یک مرکز اطلاعاتی مناسب ذخیره کنند. همچنین پیشنهاد می‌کنم که نویسندگان از همکاری با مجلات علمی با دسترسی آزاد دوگانه، که اجازه نمی‌دهند مستقل از ناشران مقاله‌ها را در مراکز اطلاعاتی ذخیره نمایند، اجتناب کنند. به هر حال، برنامه نگهداری مجلات علمی نباید به ذخیره مقاله‌ها در مراکز اطلاعاتی منحصر شود. با همه این‌ها ذخیره کردن محتواها در مراکز اطلاعاتی یک ضربه اطمینانی را برای مجلات علمی الکترونیکی به وجود می‌آورد، هم زمانی که هنوز به راه‌حل‌های بلند مدت نیافته‌اند و هم پس از دست یافتن به راه‌حل‌های بلند مدت به منزله روشی مکمل. در میان منفعت‌های زیاد این کار، یکی هم این است که این روش به پروژه‌های با دسترسی آزاد رایگان کمک می‌کند که از تأخیر ناشی از یافتن یک منبع نگهداری مطمئن، به مثابه یکی از پیش شرط‌های آغاز به کار، رهایی یابند. یکی از روش‌های مهم پاسخگویی به تردیدهای موجود در مورد نگهداری دیجیتال، تهیه نسخه‌های چاپی و نگهداری آنهاست. تا بدینجا می‌توان گفت، کاغذ تنها رسانه‌ی مرسوم است که ما به عنوان رسانه مناسب برای نگهداری متن‌ها به مدت صدها سال، می‌شناسیم. روش‌های خلاقانه زیادی برای ذخیره‌سازی متن‌های دیجیتال که ماندگاری آنها در بدترین حالت مانند کاغذ است، ظهور کرده‌اند. . . . تنها مشکل این است که صدها سال طول می‌کشد که نتایج تجربیات امروزی را مطالعه کنیم. اما ما مجبور نیستیم که میان ذخیره‌سازی نامطمئن و دوری جستن از انقلاب دیجیتال، یکی را انتخاب کنیم؛ راه میان‌بر برای نگهداری این است که متون دیجیتال را روی کاغذ چاپ کنیم. . . . نگهداری در عصر دیجیتال می‌تواند به خوبی نگهداری از طریق کاغذ باشد، همان‌طور که پیش از عصر دیجیتال بود.

در نهایت، اجازه بدهید نکته مطرح شده در چالش شماره دو را تکرار کنم؛ دسترسی کاملاً آزاد رایگان با صدور اجازه برای انتقال فایل‌های دیجیتال به شکل‌ها و رسانه‌های جدید و تطبیق آنها با تغییرات فناوری، و همچنین رونوشت گرفتن فایل‌ها در مراکز نگهداری مختلف، نگهداری را تسهیل می‌کند. در واقع، دلایل درونی این‌که چرا مراکز اطلاعاتی (برعکس مجلات علمی) به ندرت دسترسی کاملاً آزاد رایگان فراهم می‌کنند به این بحث هرتل بر می‌گردد که مراکز اطلاعاتی برای نگهداری کافی نیستند. در برخی کشورها مانند آمریکا و با نظارت ویژه قانون حق مولف، رونوشت گرفتن برای نگهداری از مقاله‌ها آزاد است. اما این شکل از رونوشت گرفتن در همه کشورها مجاز نیست و بخشی از استفاده قانونی شمرده نمی‌شود. بدون داشتن اجازه از طرف قانون یا مجوز باز، برای اجازه گرفتن برای نگهداری انبوهی از محتواها، باید به تک تک دارندگان حق مولف آن محتواها رجوع کنیم. هزینه‌ها و زمانی که از دست می‌رود

می‌تواند مصداق فرصت‌سوزی باشد. اگر شما به اندازه‌ی کافی در مورد آینده محتوای خود نگران هستید و خواستار نگهداری آن‌ها هستید، پس باید با استفاده از یک گواهی‌نامه باز به اندازه کافی به تسهیل نگهداری توجه کنید.

احتمالا برخی از هوداران روش دسترسی آزاد معترض می‌شوند که نگهداری، بخشی ذاتی از فراهم کردن امکان دسترسی آزاد نیست. این درست است، اما در مورد داوری همکاران یا توجه به درست‌نویسی از نظر دستوری هم می‌توان همین حرف را زد. به امر نگهداری به منزله یک امر ضروری تفکیک‌شده مثل حقیقت، شفافیت و نقطه‌گذاری در دستور زبان نگاه کنید. "تفکیک‌شده" به معنای "بی‌اهمیت" یا "ناسازگار" نیست. شما می‌توانید بدون توجه به نگهداری هم دسترسی آزاد فراهم کنید اما نباید خواستار چنین کاری باشید.

• تریدهای موجود در مورد صداقت مجلات علمی با دسترسی آزاد

آیا مجلات علمی با دسترسی آزاد کلاه‌برداری می‌کنند؟ آیا مجلات علمی با دسترسی آزاد پولی، کلاه‌برداری هستند؟ آیا بعضی از مجلات علمی با دسترسی آزاد پولی، کلاه‌برداری هستند؟ آیا برخی از متخصصان معتقدند که بعضی از مجلات علمی با دسترسی آزاد پولی، کلاه‌برداری هستند؟ آیا وجود چنین اعتقادی به مجموعه مجلات علمی با دسترسی آزاد آسیب می‌رساند؟ ممکن است شما خودتان سردبیر یکی از مجلات علمی با دسترسی آزاد باشید و در انتشار آن فعالیت کنید، اما باز هم احتمالا به یک، دو یا سه پرسش از پنج پرسش بالا پاسخ بلی داده‌اید. این یک چالش است. در این‌جا به برخی از اعمال شک برانگیز که موجب شکل‌گیری تردیدهایی در مورد صداقت یک مجله علمی می‌شود اشاره می‌کنم:

- ارایه نکردن سند برای داوری همکاران
- فرستادن ایمیل‌های اسپم برای پژوهشگران
- ادعای انتشار مجلات علمی که وجود خارجی ندارند یا هنوز منتشر نشده‌اند
- پنهان کردن نام سردبیران
- پنهان کردن نام مالکان
- پنهان کردن آدرس تجاری مجلات علمی

در این‌جا مشکل نامه‌های الکترونیکی اسپم، آزاردهندگی ناخواسته بودن آن‌ها نیست. مشکل این است که با این کار به یکی از نکاتی که ما از مجلات علمی دارای داوری همکاران و جدی می‌خواهیم که در مورد آن مراقب باشیم بی‌توجهی شده است. زمانی که یک مجله علمی از شما می‌خواهد که کارتان را ارایه کنید یا به هیئت تحریریه بپیوندید شما احساس خوشحالی می‌کنید چراکه به داوری آن‌ها در مورد متفاوت بودن احترام می‌گذارید. آن‌ها از همه برای این کارها دعوت نمی‌کنند. اما زمانی که یک مجله علمی تلاش می‌کند که به این روش برای شما چاپلوسی کند و به شکلی خنده‌دار رشته علمی شما را اشتباه بگیرد، آن وقت می‌فهمید که آن‌ها هیچ چیزی در مورد شما نمی‌دانند. متوجه می‌شوید که این دعوت‌نامه را تقریباً برای همه فرستاده‌اند. اگر آن‌ها چیزی درباره شما نمی‌دانند چرا می‌خواهند که به هیئت تحریریه بپیوندید؟ آیا از انجام وظیفه‌ای چنین ابتدایی ناتوانند یا واقعا برایشان اهمیتی ندارد؟ کدام یک بدتر است؟ همین‌طور مشکل نرم‌افزارهای ناقص این نیست که اطلاعاتی زودتر از موعد پخش کرده‌اند، بلکه این است که در مورد هدف اطلاعاتی‌هایشان دچار سردرگمی شده‌اند. همه‌ی مجلات علمی جدید مراحمی را پیش از آن‌که سردبیران خود را معرفی کنند یا مقاله‌ای منتشر کنند، طی می‌کنند. دشواری کار در این جاست که مشخص نیست کجای این پیوستار باید متوجه شویم که مجله علمی وجود دارد یا کارش را آغاز کرده است، یا چه زمانی عناوین را در وب‌سایت ناشر فهرست خواهند کرد. مجلات علمی دارای صداقت می‌توانند این خطوط را مشخص کنند. اما تجربه من نشان داده است که مجلات علمی ای که رفتاری شبهه‌آمیز دارند تمایل دارند که در این فرایند، خطوط را به شکلی غیرطبیعی زودتر از حد ترسیم کنند و بیشتر تمایل دارند که به‌طور هم‌زمان برای ده‌ها یا صدها مجله علمی این کار را انجام دهند. گویی آن‌ها فکر می‌کنند که تحت‌تاثیر قرار دادن خواننده با ارایه فهرست‌های بلندپروازانه، از شروع به کار مجله علمی به شکل تکی مهم‌تر است.

چالشی که در پس این چالش وجود دارد این است که دلایل ما برای تردید به ندرت بیش از دلایل سطحی است. ما معمولاً تردیدهایی در رابطه با تردیدهایمان در مورد صداقت یک مجله علمی داریم. از نظر من، این که میان کلاه‌برداری و یک شروع ناشیگرانه تفاوت بگذاریم اهمیت زیادی دارد. یک شروع کاملاً صادقانه اما ناشیگرانه ممکن است عناوین را مدت‌ها پیش از محتواها اعلام کند و فراموش کند که اسامی سردبیران یا مالکان را اعلام کند. پیشنهاد من دوسویه است. از یک‌سو، آخرین نفری نباشید که از کارهای فریبکارانه و معیارهای نازل انتقاد می‌کنید. هرچه بیشتر تردید کنید بیشتر به نظر می‌رسد که شما نقص‌های یک مجله علمی را به صرف این‌که با دسترسی آزاد است نادیده می‌گیرید. از سوی دیگر محیطی خصمانه و نامطبوع برای آن‌هایی که به تازگی کار خود را شروع کرده‌اند درست نکنیم.

این دو پیشنهاد با یکدیگر سازگار هستند. اما زمانی که یکی از پیشنهادها می‌گوید "آخرین نفری نباشید که انتقاد می‌کنید" حرف پیشنهاد دیگر این نیست که "اولین نباشید". تجربه شما به‌عنوان سردبیر یا ناشر می‌تواند به شما کمک کند که پیش از بقیه به فریبکارانه بودن یک طرح جدید پی ببرید. تا زمانی که از این امر که یک عمل فریبکارانه، و نه ناشیگرانه و از روی بی‌تجربگی، است اطمینان حاصل نکرده‌اید، در انتقاد از آن عجله نکنید. یا دست‌کم انتقادهایمان در این دو مورد متفاوت باشند. البته شروع ناشیگرانه اما صادقانه

نیازمند یادآوری معیارهای حرفه‌ای است، حتی اگر بپذیریم به دلیل ناشی‌گری مستحق محکوم شدن به لغزش‌های اخلاقی نباشند. اجازه ندهید این انقلاب ما از آن دسته انقلاب‌هایی شود که فرزندان خود را می‌بلعد.

آیین‌نامه اخلاقی اوسپا برای ما مانند یک راهنماست. این راهنما نه فقط به مسائل درستی اشاره می‌کند؛ مانند این‌که فرایند دآوری همکاران را شفاف کنید، اطلاعات مربوط به تماس با مجله علمی و همین‌طور قیمت‌هایتان را اعلام کنید و نامه‌های الکترونیکی اسپم نفرستید. بلکه این صدای خود ناشران مجلات علمی با دسترسی آزاد است و نه منتقدان‌شان. این نشان می‌دهد که ناشران مجلات علمی با دسترسی آزاد خودشان تمایل دارند که این هنجارها را مفصل‌بندی کنند و آنها را اجرا کنند. این یک خود-سامان‌دهی عمومی است. این هنجارها در دسترس طرفداران، منتقدان و تازه کارهاست تا به‌منابه معیارهای در حال پیدایش به آنها رجوع کنند.

رسوایی دیویس و آندرسن در ژوئن ۲۰۰۹ را به یاد بیاورید. فیل دیویس و کنت آندرسن پنج صفحه جملات بی‌معنی که توسط کامپیوتر تهیه شده بودند را به مجله علمی علوم اطلاعات باز که توسط بنیام اوین منتشر می‌شود اراه کردند. این مجله علمی این مقاله را پذیرفت و صورت حسابی ۸۰۰ دلاری برای نویسندگان ارسال کرد. این حادثه از یک جهت به مجلات علمی با دسترسی آزاد آسیب رساند و از جهتی دیگر به آنها کمک کرد. این موضوع به عمومیت بخشی‌های عجولانه در مورد مجلات علمی با دسترسی آزاد و الگوی تجاری دریافت هزینه‌های انتشار از نویسندگان دامن زد، اگرچه دیویس و آندرسون خودشان از عمومیت بخشی‌های عجولانه اجتناب کردند. این تقلب باعث شد همه‌ی مجلات علمی با دسترسی آزاد، بد و ناکارآمد به نظر بیایند. شما ممکن است درمورد واژه "همه" بحث داشته باشید. همه‌ی مجلات علمی با دسترسی آزاد هزینه‌های انتشار را دریافت نمی‌کنند. این‌طور هم نیست که همه مجلات علمی با دسترسی آزاد، که هزینه‌ها را دریافت می‌کنند دآوری صادقانه همکاران یا دست‌کم یک نگاه شتاب‌زده توسط یک نفر به مقاله‌ها را انجام ندهند. درست است. شمار واقعی مجلات علمی از قبیل مجله علمی علوم اطلاعات باز، واقعا کم است. اما بیشتر افرادی که در مورد رسوایی دیویس/آندرسن می‌شنوند تفاوت میان مجلات علمی با دسترسی آزاد را درک نمی‌کنند، همان‌طور که خیلی از کسانی که در مورد رسوایی سوکال در سال ۱۹۹۶ شنیدند تفاوت‌هایی که میان مجلات علمی مطالعات فرهنگی یا حتی مجلات علمی علوم انسانی وجود دارد را درک نمی‌کنند. این نتیجه‌گیری ناعادلانه که مشکل در ذات مجلات علمی با دسترسی آزاد یا دریافت هزینه‌های انتشار است، توجیه‌پذیر و عادلانه نیست. و چالش نیز همین است. در مقابل، تقلب‌های انجام‌شده در مجلات علمی پولی، مانند ۹ مجله علمی تقلبی که توسط الزویر منتشر شدند، به‌ندرت موجب رسانه شدن خطاهای مجلات علمی پولی و اینکه این خطاها برای آنها نیز ذاتی است، شده است. خیلی از دانشگاهیان به‌علت آشنایی طولانی‌ای که با مجلات علمی پولی دارند آموخته‌اند که میان آنها تفاوت بگذارند، اما بیشتر آنها هنوز در حال یادگیری این نکته هستند که باید میان مجلات علمی با دسترسی آزاد هم تفاوت گذاشت.

از طرف دیگر، تقلب دیویس/آندرسن به مجلات علمی با دسترسی آزاد کمک کرد که به شکلی تحقیرآمیز توجه‌شان به رفتارهای شرم‌آور جلب شود. این حادثه باید مانع تکرار رفتار مشابه شود. چه مجله علمی علوم اطلاعات را به دلیل عدم صداقت و بی‌کفایتی مقصر بدانیم یا ندانیم، دیگر مجلات علمی فریبکار و بی‌کفایت باید نگران باشند که نوبت آنها هم می‌رسد. ما نمی‌دانیم که این اثر بازدارنده تا کی یا برای چه مدتی ادامه خواهد داشت. این موضوع همه‌ی مجلات علمی فریبکار را از میدان به در نمی‌کند، حتی اگر ما چنین آرزویی داشته باشیم. اما حتما به این امر کمک می‌کند.

• تریدهای موجود در مورد دریافت هزینه‌های انتشار

برخی از منتقدان معتقدند که دریافت هزینه‌های انتشار از نویسندگان موجب محدود شدن دآوری همکاران می‌شود، تفکری که مجلات علمی صادق را مورد سوطن قرار می‌دهد. برخی معتقدند که هزینه‌ها باید از جیب نویسندگان پرداخت شود، تدبیری که نویسندگان را (تقریبا) در تمام رشته‌ها و کشورها می‌ترساند. ما می‌توانیم با اشاره به سدهای مالی که در برابر مجلات علمی با دسترسی آزاد مبتنی بر دریافت هزینه‌ها وجود دارد، به اتهام فساد پاسخ دهیم. نمی‌توان از آن‌هایی که بیرون مجله علمی هستند، انتظار داشت که این مسایل را بدانند و خود مجله علمی باید در توضیح اینکه سیستم آنها چگونه کار می‌کند، پیشگام باشند. در مورد نگرانی نویسندگان، ما باید به نویسندگان در مورد منابع یا حامیانی که مایلند به‌جای آنها هزینه‌های انتشار را بپردازند آموزش دهیم. در ماه مارس ۲۰۰۹، شبکه اطلاعات تحقیق از دانشگاه‌ها و موسسه‌های تامین‌کننده بودجه که مایلند این هزینه‌ها را پرداخت کنند خواست که تمایل خود را به نویسندگان اعلام کنند. اگر آنها این کار را نکنند تعداد بسیار زیادی از نویسندگان همچنان نگران خواهند بود که هزینه‌های انتشار را باید از جیب خود بپردازند.

به هر حال شفافیت در مورد وجود کمک‌های مالی بهترین قدمی است که دانشگاه‌ها و تامین‌کنندگان بودجه‌ها می‌توانند بردارند. یکی از چیزهایی که شما می‌توانید به‌عنوان ناشران و کارگزاران مجلات علمی انجام دهید این است که از زبان دقیق‌تری استفاده کنید. "پرداخت توسط نویسندگان" و "هزینه‌های نویسندگان" واژگانی به شدت گمراه‌کننده‌اند. این عبارات در مورد بیشتر مجلات علمی با دسترسی آزاد که هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند صدق نمی‌کنند و همچنین در مواردی که هزینه‌ها قرار است توسط تامین‌کنندگان مالی یا کارفرمایان نویسندگان پرداخت شوند و یا در شرایط سخت اقتصادی از آنها چشم‌پوشی شود نیز درست نیست. "هزینه‌های انتشار" و "هزینه‌های فرایندی" هر دو عباراتی دقیق‌تر و کمتر عامل نگرانی هستند. اگر شما می‌خواهید به موازات هزینه‌های اشتراکی که خوانندگان می‌پردازند به هزینه‌هایی که نویسندگان می‌پردازند اشاره کنید، "هزینه‌های مربوط به نویسندگان" نسبت به "هزینه‌های نویسندگان" کمتر باعث نگرانی می‌شود و دقیق‌تر است. واژگان اهمیت دارند، به‌ویژه زمانی که خیلی از افراد تنها شناخت کمی از این‌که دسترسی آزاد چیست و هزینه‌های آن چگونه تامین می‌شود

دارند.

به وضوح منظورم این نیست که زمانی که شما هزینه‌ها را دریافت می‌کنید از حسن تعبیر برای پنهان کردن یا سرپوش گذاشتن بر مشکل دریافت هزینه‌ها استفاده کنید. همه می‌دانند که هزینه‌های انتشار نوعی هزینه هستند (افزون بر این، پنهان کردن هزینه‌ها برخلاف آیین‌نامه اخلاقی اوسپا است). اما از آن طرف بام هم نیافتید. اعلام این هم که نویسندگان باید هزینه‌ها را بپردازند، در حالی که نیازی نیست که هزینه‌ها به وسیله نویسندگان پرداخته شود، گمراه‌کننده است.

اگر پرداخت هزینه‌ها توسط نویسندگان اساساً موجب فساد در داورى همکاران می‌شود، پس فساد در مجلات علمی پولی بسیار گسترده‌تر از مجلات علمی با دسترسی آزاد است. دلیل آن به وضوح این است که (چه از نظر درصدی و چه از نظر تعداد) مجلات علمی پولی که هزینه‌ها را از نویسندگان دریافت می‌کنند خیلی بیشتر از مجلات علمی با دسترسی آزاد هستند. گزارش کافمن-ویلس در اکتبر ۲۰۰۵ نشان داد که ۷۵ درصد مجلات علمی پولی از نویسندگان پول دریافت می‌کنند و در مقایسه فقط ۴۷ درصد مجلات علمی با دسترسی آزاد از نویسندگان پول دریافت می‌کنند. مطالعه استیوارت شیرر در ماه مه سال ۲۰۰۹ درصد مجلات علمی با دسترسی آزادی که از نویسندگان پول دریافت می‌کنند را ۲۹/۷ درصد اعلام کرد. اما تاجایی که من می‌دانم، هیچ مطالعه جدیدی برای به روزرسانی درصد مجلات علمی پولی انجام نشده است.

استفاد مناسب از این بحث این نیست که به "خودت نیز همین کار را کرده‌ای" (یعنی انتقاد را با این استدلال که "شما هم" کار مشابهی انجام می‌دهید به طرف مقابل برگردانیم) متوسل شویم. این موضوع که درصد مجلات علمی با دسترسی آزادی که از نویسندگان پول دریافت می‌کنند کمتر از مجلات علمی پولی هستند موجب افزایش آگاهی می‌شود و انگیزه‌ای است برای این‌که بیشتر تجربه‌گرا باشیم. همچنین از منتقدان نخواستیم که این عمل مجلات علمی با دسترسی آزاد را به دلیل این‌که در مجلات علمی پولی هم اتفاق می‌افتد نادیده بگیرند. چنین کاری در هر دو مورد مشکل‌زاست. در عوض این بحث سوال‌هایی را مطرح می‌کند: "آیا واقعا فکر می‌کنید پرداخت هزینه‌ها توسط نویسندگان موجب فساد داورى همکاران می‌شود؟ یا با دانستن این‌که این موضوع بر ۷۵ درصد مجلات علمی مبتنی بر حق اشتراک اثر می‌گذارد، آیا می‌پذیرید که دریافت هزینه گاهی موجب فساد می‌شود و گاهی نه، آیا از عمومیت بخشی‌های سطحی خود دست برمی‌دارید؟ آیا عینک‌های تجربه‌گرایانه‌تان را به چشم می‌زنید و به جستجوی نشانه‌ها و علامت‌های منفرد و نه جمعی برای فساد می‌روید؟ و آیا در تکامل روش‌های مناسب برای دوری از فساد نقش ایفا می‌کنید؟"

همچنین در مواردی که انگیزه‌های کسب درآمد بیشتر منجر به این می‌شود که مجلات علمی مقاله‌های بیشتری چاپ کنند و معیارهای خود را تنزل بخشند، باز هم مشکل در مجلات علمی پولی و اخیرتر از مجلات علمی با دسترسی آزاد است. دلیل این موضوع، این است که قیمت‌های اشتراک مجلات علمی پولی حاشیه سودی بالای بسیار بیشتری از قیمت‌های انتشار مجلات علمی با دسترسی آزاد دارند. بیشتر قیمت‌های انتشار مجلات علمی با دسترسی آزاد در حد مورد نیاز برای ادامه کار است. زمانی‌که یک مجله علمی پولی مجلدات خود را برای توجیه افزایش قیمت افزایش می‌دهد، معمولاً سود خالصی بسیار بیشتر از یک مجله علمی با دسترسی آزاد که مجلدات خود را برای دریافت هزینه‌های انتشار بیشتر افزایش می‌دهد، به دست می‌آورد.

• تردیدها درباره ماندگاری

ناآشنایی با مجلات علمی با دسترسی آزاد منجر به این شده است که خیلی از دانشگاہیان در ناخودآگاه خود با یک معما مواجه شوند: "مجلات علمی با دسترسی آزاد احتمالاً نمی‌توانند از پس هزینه‌های خود برآیند. این گونه مجلات علمی چندان دوام نمی‌آورند. اما اگر بتوانند از پس هزینه‌هایشان برآیند، احتمالاً چندان به درد بخور نیستند و کیفیت آنها پایین است." طبق معمول یکی از راهبردها آموزش است. به مجلات علمی یا ناشرانی که سودآور هستند یا مازاد درآمد دارند (مثل PLoS ONE, Optics Express, Medknow, Hindawi, BioMed Central) اشاره کنید. میان چشم‌انداز بلندمدت و دوره‌ی گذار کنونی تفاوت قایل شوید. در بلند مدت پول مورد نیاز برای پشتیبانی از مجلات علمی دارای داورى همکاران، در تمام موقعیت‌های مناسب پژوهشی، برای پشتیبانی از مجلات علمی پولی دارای داورى همکاران هزینه می‌شود. هم‌اکنون پول در سیستم در جریان است. اگر پول کمی صرف مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌شود بیشتر به سابقه مجلات علمی با دسترسی آزاد بازمی‌گردد (و این موضوع که مجلات علمی پولی، مدت‌ها پیش از مجلات علمی با دسترسی آزاد وجود داشته‌اند) تا ماندگاری آنها.

مازاد سود انحصاری بالای ۲۵ تا ۳۰ درصد در ناشران بزرگ نشان می‌دهد که پولی که ما هم‌اکنون برای مجلات علمی با داورى همکاران می‌پردازیم خیلی بیشتر از هزینه‌هایی است که در تولید مجلات علمی با داورى همکاران صرف می‌شود. این شکاف باید به ما درباره ماندگاری طولانی‌مدت مجلات علمی با دسترسی آزاد اطمینان ببخشد، حتی اگر هیچ پیامی در مورد پیدا کردن مسیر در دوران گذار نداشته باشد. تقریباً چهار دهه پس از این که متوسط قیمت‌ها بیش از تورم افزایش یافتند موضوع ماندگاری مجلات علمی اشتراکی همچنان مبهم است. زمانی‌که دانشگاه کالیفرنیا این موضوع را مطالعه کرد به نتیجه رسید که "اقتصاد انتشار مجلات علمی دانشگاهی مبتنی بر حق اشتراک بدون تردید بی‌ثبات است." باید احتیاط کنیم که این بحث هم به بحثی از نوع "خودت نیز همین کار را کرده‌ای" تبدیل نشود. (ما نمی‌توانیم تردیدهای موجود در مورد ماندگاری مجلات علمی با دسترسی آزاد را با به میان آوردن تردیدهای موجود در مورد ماندگاری مجلات علمی پولی به انحراف بکشانیم؛ احتمالاً هر دوی آنها بی‌ثبات هستند).

این که تردیدهای موجود در مورد ماندگاری مجلات علمی با دسترسی آزاد را در بافتی گسترده تر مطرح کنیم محرک خوبی است. معیارهای ما برای ماندگاری چیست؟ آیا ما پیش از پشتیبانی از یک تفکر جدید امیدوارکننده، به تضمین نیاز داریم؟ آیا ما بیشتر علاقه مند هستیم که بدانیم یک مجله علمی با دسترسی آزاد متوسط به خودی خود می تواند با معیارهای تعیین شده همخوانی کند یا این که مجلات علمی با دسترسی آزاد متوسط به همان میزان یک مجله علمی پولی متوسط می تواند با معیارهای تعیین شده همخوانی کند؟

این وضعیت بیشتر شبیه این است که دو کوهنورد سر یکی از پیچها با خرسی مواجه می شوند. یکی به سرعت روی زمین می نشیند، کفشهای کوهنوردی اش را در می آورد و شروع به پوشیدن کفشهای ورزشی برای دویدن می کند. نفر دوم از او می پرسد که "چه کار می کنی؟ تو که نمی توانی از یک خرس سریع تر بدوی." اولی در جواب می گوید: "لازم نیست که از خرس سریع تر بدوم. فقط باید از تو سریع تر بدوم."

اگر یک مجله علمی برای این که ثابت کند ماندگار است باید سالها دوام بیاورد، پس هیچ مجله علمی جدیدی، چه با دسترسی آزاد و چه پولی، نمی تواند این موضوع را ثابت کند، همانطور که ما نمی توانیم بفهمیم که آیا فایل های دیجیتالی صدها سال دوام می آورند مگر این که صدها سال بگذرد. اما اگر یک مجله علمی جدید از مدلی استفاده می کند که مجلات علمی دیگر در پرداخت موفق صورت حساب هایشان از آن استفاده کرده اند، پس مجلات علمی با دسترسی آزاد جدید هم می توانند مانند مجلات علمی پولی جدید با معیارها مطابقت کنند.

اگر مجله علمی با دسترسی آزاد شما به تعادل مالی رسیده است یا مازاد درآمد دارد، داده های تجاری خود را با دیگران در میان بگذارید. این امر می تواند به تردیدهای موجود در مورد ماندگاری پاسخ دهد. مهم تر این که، به دیگر مجلات علمی با دسترسی آزاد کمک می کند که از تجربه شما بیاموزند. بیاید برای در میان گذاشتن راهنمایی هایی که به سختی به آنها رسیده اید، همین طور هشدارها و عملکردهای موفق، بیش از پیش داوطلب شویم.

من علاقه مندم که اوسپا یک سیستم همکاری دوجانبه را سازماندهی کند که در آن مجلات علمی با تجربه به مجلات علمی بی تجربه برای دستیابی به الگوهای تجاری باثبات کمک کنند و به پرسش هایی که در موقعیت های حساس در مدیریت روزانه مجلات علمی پیش می آید پاسخ دهند. در صورتی که تعداد الگوها و گونه های اساسی بسیار زیاد باشد و اگر چشماندازها از رشته های به رشته دیگر و از کشوری به کشور دیگر (و از دهه ای به دهه دیگر) تفاوت کنند، در این جاست که مجلات علمی با سابقه می توانند با شناسایی چشمانداز، مجلات علمی جدید را راهنمایی کنند. حتی در صورتی که مجلات علمی مایل نیستند داده های تجاری خود را عمومی کنند، باید برای در میان گذاشتن داده هایشان به شکلی محرمانه با شرکای خود در اوسپا تمایل نشان دهند.

در راهنمای دسترسی آزاد من تلاش کرده ام الگوهای تجاری ای که اکنون در مجلات علمی با دسترسی آزاد به کار گرفته می شوند را فهرست کنم. دلیل اصلی برای این کار این است که تعداد این الگوها زیاد است؛ به علاوه خواسته ام که نشان داده شود کدام الگوها، در کجا، به کار گرفته می شوند. تنوع الگوها می تواند به منتقدان کمک کند که از عمومیت بخشی اجتناب کنند و همین طور به مجلات علمی جدید کمک می کند الگوهایی را بیابند که متناسب با وضعیت تجاری آنها باشد، و در آخر ادراک همه را تحریک می کند که به الگوهای دیگر و گونه های دیگر در رابطه با موضوع های موجود بیاورند. در آخر، پرسش های موجود در مورد ماندگاری را نادیده نگیرید. میزان مخالفت نهفته در این پرسش ها بیشتر از میزان مخالفت نهفته در پرسش های مربوط به موضوع نگهداری نیست. مانند موضوع نگهداری، اهمیت ماندگاری به شکلی متناسب با اهمیت کاری که منتشر می کنید افزایش می یابد.

• تردیدهای موجود در مورد تغییر مسیر کمک های مالی

فرض کنیم که شما قانع شده اید که بیشتر پولی که برای پشتیبانی مجلات علمی با دسترسی آزاد نیاز است صرف پشتیبانی از مجلات علمی پولی می شوند و فقط کافی است که مسیر پرداخت بودجه ها را تغییر دهیم. شما ممکن است از خودتان بپرسید: آیا این اتفاق می افتد؟ اگر بله، چگونه؟ برای ترغیب به چنین کاری چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ هم اکنون تغییر مسیر کمک های مالی در مقیاسی کوچک رخ داده است. هر وقت که یک مجله علمی پولی به دسترسی آزاد تغییر می کند ما شکلی از تغییر مسیر در مقیاس کوچک را شاهد هستیم.

مجلات علمی با دسترسی آزادی که بودجه شان را از دانشگاه ها دریافت می کنند مثال های بالقوه این موضوع هستند. بیشتر کمک های مالی جدید پول جدید را به سیستم تزیق می کنند. اما اگر آنها به اندازه کافی دوام بیاورند و آنقدر بزرگ شوند که بتوانند با مشکل نیاز به ارایه کمک های جدید مقابله کنند، و اگر دانشگاه ها اولویت های خود را در پس انداز بودجه های حاصل از لغو یا تغییر مجلات علمی پولی تغییر دهند، آنگاه کمک های مالی به ابزارهایی برای تغییر مسیر تبدیل می شوند.

تغییر مسیر همچنین در مقیاسی بزرگ روی می دهد، که آغاز آن با پروژه اسکوپ ۲ سرن (کنسرسیوم پشتیبانی مالی برای انتشارات با دسترسی آزاد در فیزیک ذرات) است. اسکوپ ۳ طرحی بلند پروازانه در تبدیل تمام مجلات علمی پولی مهم در فیزیک ذرات به مجلات علمی با دسترسی آزاد و تغییر مسیر پولی که پیش از این از راه اشتراک از خوانندگان دریافت می شد به هزینه هایی که نویسندگان باید بپردازند است. این کار با توافقاتی در مقیاس بزرگ با تمامی طرف های ذریط از جمله ناشران انجام شده است. در ابتدا اجازه دهید به اسکوپ ۳ کمک کنیم که در فیزیک ذرات موفق شود. بعد زمانی که موفق شد بیاید

دلایل موفقیتش را با گوشه‌ی چشمی به انتقال الگوی آن به دیگر رشته‌ها مطالعه کنیم. برخی از عوامل موفقیت آن می‌تواند خاص رشته فیزیک باشد، مانند تعداد کم مجلات علمی تخصصی، این موضوع که فرهنگ دسترسی آزاد سبز آرشیو الکترونیکی حتی با استقبال مجلات علمی پولی این رشته مواجه شده است، و البته برتری سرن در این رشته. عوامل دیگر اختصاصی رشته فیزیک نیستند، مانند منطق برنده - برنده که برای موسسه‌های پژوهشی، کتابخانه‌ها، آرایه کنندگان کمک‌های مالی، و ناشران منطقی گیراست، یا می‌تواند گیرایی داشته باشد. این منطق برد - برد است که باعث می‌شود به این نتیجه برسیم که رشته‌های دیگر هم بدون وجود موسسه‌ای همچون سرن می‌توانند از عهده این کار بر بیایند. اگر رشته‌های دیگر بتوانند این کار را انجام دهند، آن‌ها نیازی به پولی که سرن در اختیار دارد یا گستردگی آن‌ها و حتی قدرت گردآوری‌ای مشابه قدرت سرن نخواهند داشت. اگر آن‌ها بتوانند طرف‌های درگیر را برای بحث در مورد این تفکر گرد هم آورند، در این جاست که منطق برد - برد این شانس را دارد که از آن لحظه کار خود را شروع کند.

اسکوپ ۲ نه تنها بلندپروازانه ترین پروژه تغییر مسیری است که هم‌اکنون در جریان است، بلکه از تمام پروژه‌ها پیش است و در آزمایش‌های واقعی بیش از همه پروژه‌ها پالایش شده است (هیچ چیزی مانند این نیست که از یک موسسه بخواهیم که برای آشکار کردن تردیدهای پنهان خود، متعهد به پرداخت پول شود و توانایی شما برای پاسخ‌گویی به تردیدها را آزمایش کند). اگر که الگوی این پروژه برای دیگر رشته‌ها مناسب نیست بیاید به موازات اسکوپ ۲ در مورد راهبردهای تغییر مسیر در مقیاس بزرگ فکر کنیم. اما اگر این الگوها در رشته‌های دیگر هم می‌توانند موفق باشند، در صورتی که درس‌های اسکوپ ۲ را هر جایی که قابل استفاده هستند استفاده نکنیم فرصت باارزشی را از دست داده‌ایم.

ما نمی‌توانیم افزایش میزان دسترسی آزاد سبز را به‌مثابه مشوقی دیگر برای تغییر مسیر در مقیاس بزرگ دست‌کم بگیریم. این دلیل دیگری است که مجلات علمی با دسترسی آزاد و ناشران آن‌ها باید از دستورات دسترسی آزاد سبز پشتیبانی کنند و با اتحادیه‌های صنفی ناشران که علیه آن‌ها رایزنی و تبلیغ می‌کنند، مقابله کنند. ما همچنین باید متوجه باشیم که افزایش میزان دسترسی آزاد سبز هیچ تاثیری بر تغییر مسیر نخواهد داشت. حتی در رشته فیزیک که بالاترین سطح و طولانی ترین تاریخ را در آرشیو با دسترسی آزاد دارد هم این مسایل باعث نشده است که کار مجلات علمی پولی متوقف شود و یا پول آن‌ها صرف مجلات علمی با دسترسی آزاد شود؛ اما این عوامل به‌شکلی غیر مستقیم منتهی به پروژه اسکوپ ۲ شد.

اگر افزایش میزان دسترسی آزاد سبز موجب افزایش تغییر مسیر در رشته‌هایی به‌جز فیزیک شود، این امر تنها زمانی ممکن می‌شود که ما دوره‌ای از کشمکش و تضاد که تا به امروز سابقه نداشته است را پشت سر بگذاریم. بنابراین، زمانی که ما با تمام قوا برای دسترسی آزاد سبز تلاش می‌کنیم باید همچنین برای دستیابی به روشی که تضاد کم‌تری ایجاد می‌کند، مانند اسکوپ ۲، در رشته‌های به‌غیر از فیزیک تلاش کنیم.

مارک روز، مدیر عامل سابق اینجنتا، در دسامبر سال ۲۰۰۲ راهبرد دیگری را برای تغییر مسیر در مقیاس بزرگ ارائه کرد. بر اساس راهبرد او ناشران می‌توانند به شکلی ناگهانی مجلات علمی پولی خود را به دسترسی آزاد تغییر دهند، به این شکل که به‌جای دریافت هزینه‌های اشتراک از خوانندگان، کمک‌های مالی‌ای که از کتابخانه دانشگاه‌ها دریافت می‌کنند را به‌عنوان هزینه‌های انتشارات با دسترسی آزاد برای نویسندگان در نظر بگیرند. یکی از مزیت‌های تغییر ناگهانی پیشنهادی روز این است که برخلاف اسکوپ ۲ نیازی به همکاری تمامی مجلات علمی یک رشته ندارد و می‌توان آن‌را هر زمانی در یکی از مجله علمی اجرا کرد. در عین حال، می‌توان هم‌زمان آن‌را به بزرگ‌ترین ناشران یا بزرگ‌ترین ائتلاف‌های ناشران تسری داد. اگرچه هیچ‌یک از ناشران تغییر ناگهانی پیشنهادی روز را به‌شکلی تمام‌عیار عملی نکرده اند، ولی چندین پروژه در حال اجرا، برخی از ویژگی‌های پیشنهادی روز را دارند، مانند همین پروژه اس.سی.او.ای.پی یا دایره‌المعارف فلسفی استنفورد. همچنین اسپرینگر در حال مذاکره با برخی از دانشگاه‌ها و کتابخانه هاست که هزینه‌های انتشار مجلات علمی با دسترسی آزاد را در هزینه‌های اشتراک بگنجاند. ما باید قوه‌ی تخیل خود را تقویت کنیم ولی نباید در دام سر هم بندی کردن بیافتیم. اصول مشخصی هست که باید برای پی‌گیری آن‌ها تلاش کنیم. پولی که در اثر توقف یا تغییر روش مجلات علمی پولی با داوری همکاران آزاد می‌شود باید پیش از هر چیز صرف مجلات علمی با دسترسی آزاد دارای داوری همکاران شود. تغییر مسیر در مقیاس بزرگ خیلی از تغییر مسیر در مقیاس کوچک موثرتر است. انقلاب آرام از راه مذاکره و علاقه شخصی، دوستانه‌تر و به‌شکلی بالقوه سازنده‌تر از سازگار شدن ستاره‌های رو به خاموشی مجلات علمی پولی، زیر فشار است.

اگرچه نیازی به گفتن نیست اما برای روشن‌تر شدن موضوع اشاره می‌کنم که من حامی تغییر مسیر پول‌هایی هستم که در پی توقف کار یا تغییر روش مجلات علمی پولی آزاد شده‌اند و نه متوقف کردن کار مجله علمی به‌منظور آزاد کردن پول‌ها. گفتن این موضوع ممکن است مو را از ماست بیرون کشیدن به نظر برسد اما تفاوت میان این دو امر نه کم‌اهمیت است و نه مبهم. این تقریباً مانند تفاوت میان در سر داشتن آرزوهای بزرگ و برنامه‌ریزی برای کشتن والدین‌تان است.

• تردیدهای موجود در مورد راهبردها

منظورم در این‌جا تردیدهای موجود در مورد راهبردهایی است که باید برای دیگر چالش‌های پیش‌روی مجلات علمی با دسترسی آزاد در نظر گرفت. این‌ها تردیدهایی هستند که احتمالاً شما خودتان با آن‌ها درگیر هستید و نه تردیدهایی که دیگران دارند.

شما تیزبینانه از چالش‌های پیش‌روی مجلات علمی با دسترسی آزاد آگاه هستید و هر روز با آن‌ها سر و کار دارید. به نظر می‌رسد که راهبردهای انجام این کار را می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد. گروه

نخست، به اصطلاح، کشت کردن در باغ خودتان است. با انتشار مقاله‌های خوب نشان دهید که مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌توانند مقاله‌های خوب منتشر کنند. با تداوم کارتان ثابت کنید که مجلات علمی با دسترسی آزاد می‌توانند تداوم داشته باشند. با عمل همراه با دقت زیاد و از روی صداقت نشان دهید که مجلات علمی با دسترسی آزاد هم می‌توانند صادقانه و دقیق کار کنند. با موفقیت‌تان تردیدها را از بین ببرید و منتقدان را خلع سلاح کنید.

دومین گروه همانا فعال بودن است. در مباحثات و گفت و گوهای افراد مردد شرکت کنید. به اعتراض‌ها و سوء تفاهم‌های آن‌ها پاسخ دهید. داده‌ها و تجربه‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارید، به مجلات علمی همکار کمک کنید، برای یافتن موسسه‌هایی که کمک‌های مالی آرایه می‌کنند تلاش کنید و برای دستیابی به معیارهای بهتر و تغییر مسیر کمک‌های مالی فعالیت کنید.

اگر شما نمی‌توانید این دو کار را انجام دهید آن‌گاه باغبانی را انتخاب کنید. اگر شما برای موفق بودن مجله علمی تان باید از بحث‌های عمومی کناره‌گیری کنید و سرتان را پایین بیاورید و به کار خودتان برسید، پس این کار را بکنید. ما به موفقیت شما نیاز داریم. اما اگر شما برای موفقیت مجله علمیتان مجبور نیستید که از بحث‌های عمومی کناره‌گیری کنید، امیدوارم که در این بحث‌ها مشارکت کنید. زمانی که لابی‌ناشران مجلات علمی پولی ادعاهای کلی خود را در مورد این‌که تهدید مجلات علمی پولی تهدیدی برای امر داوری همکاران است را صادر می‌کنند، یا می‌گویند که ناشران باید حقوق انحصاری داشته باشند یا این‌که هر کسی که نیازمند دسترسی به مجلات علمی است، اکنون هم به مجلات علمی دسترسی دارد، در چنین شرایطی پاسخ شما به‌عنوان ناشران یا سردبیران مجلات علمی از مرجعیت بیشتری نسبت به پاسخ‌های بازیگران دیگر برخوردار است. افراد مشغول در مجلات علمی فرصتی بی نظیر در این مباحثات دارند و باید بیش از این‌ها از این فرصت‌ها استفاده کنند.

البته من نمی‌خواهم تمایز آشکاری میان باغبانی و کنش‌گرایی قایل شوم. حتی اگر شما به فکر کشت باغ خود باشید در خواهید یافت که سوء تفاهم‌های موجود در مورد مجلات علمی با دسترسی آزاد، آرایه مقاله‌ها به مجله علمیتان را محدود خواهد کرد و ناکامی‌های (مالی یا اخلاقی) مجلات علمی با دسترسی آزاد دیگر به شهرت شما لطمه خواهد زد. کمک به پراکندن واقعیت‌ها درباره مجلات علمی با دسترسی آزاد به‌عنوان یک طبقه از مجلات علمی، به تک تک مجلات علمی شما کمک خواهد کرد. پرده‌داری در مورد افسانه‌های موجود درباره مجلات علمی با دسترسی آزاد به شما کمک می‌کند که مقاله‌های بیشتری دریافت کنید و از حمایت کمیته‌های ارتقا و استخدام بهره‌مند شوید. حتی هدف‌های کوچک مانند انتشار کارهای قابل قبول و تداوم در کار نیازمند حداقلی از کنش‌گرایی است.

در مقابل، مجلات علمی با دسترسی آزاد مشهور می‌توانند به افزایش شهرت مجلات علمی با دسترسی آزاد دیگر کمک کنند. اگر شما کارهای قابل قبول چاپ کنید و در کارتان تداوم داشته باشید موفقیت شما مستقیماً بر مجلات علمی دیگر تأثیر می‌گذارد و به پیشبرد مباحثات کمک می‌کند. مثال‌ها از مباحثات قانع‌کننده‌تر هستند. آسیب‌زا ترین مخالفت‌ها با مجلات علمی با دسترسی آزاد آن‌هایی هستند که این مجلات علمی را متهم می‌کنند که آن‌چه که کیفیت، صداقت، و تداوم مالی مجلات علمی با دسترسی آزاد را محدود می‌کند در ذات آن‌هاست. زمانی که شما موفق شوید می‌توانید ثابت کنید که این پندارها اشتباه هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

منابع فارسی

منابع انگلیسی